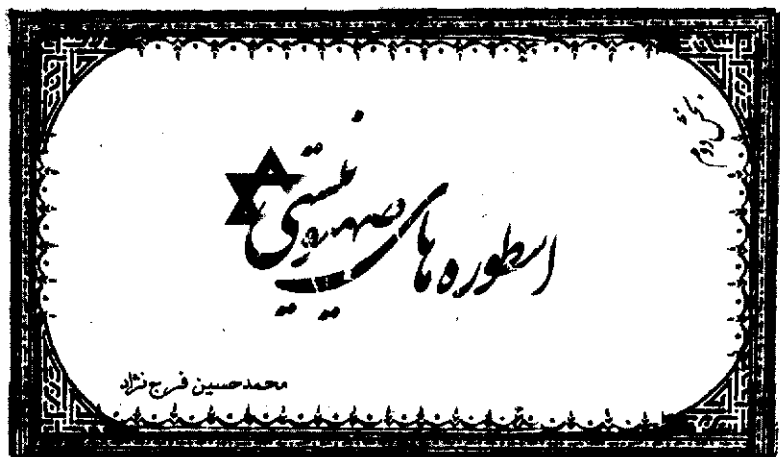




شیرشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

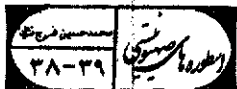


مرحله ششم: اسلام و توسعه علم حکمت بار در جهان

با ظهور آخرین پیام آور الهی، ایشان معرفت و اندیشه ورزی را بر اساطیر اولین اولویت دادند و با تربیت الگوهای اسطوره‌ای و کارآمدی چون علی (ع)، فاطمه (ع)، خدیجه (س)، سلمان، ابوذر و دیگران تحولی اساسی در معنای علم ایجاد کردند و به بشر آموختند که اسطوره‌های مشرکانه و حکایت‌های خیالی و حفظ انساب و اشعار، علم نیست و علم، معرفتی نورانی است که خرد انسانی را به سمت نور حقیقت و صلاح و سعادت دنیا و عقبی رهنمون شود. متأسفانه پس از ایشان باز عده‌ای دورمانده از صراط ولایت، با احداث دارالحکمه و استخدام مترجمین بعضاً یهودی و مسیحی، دگانی در برابر علم ائمه باز کردند تا در پرتو آن بتوانند چند روزی زمان حکومتشان را بلندتر کنند؛ اما شاگردان مکتب رسول حق، حتی فلسفه مشرکانه یونان را هم به سمت توحید راه بردند و به شکوفایی رساندند.

در عصر حکومت‌های اسلامی پس از پیامبر(ص)، گرچه انحرافات از خط ولایت الله ایجاد شده بود؛ ولی دانشمندان و اساتید بزرگی تربیت شدند که آوازهای جهانی پیدا کردند و توانستند از جنوب فرانسه و غرب آفریقا تا شرق آسیا، حکومت‌های مقتدر، مرفه و امنی را در طول هزار سال - بین قرون ۱ تا ۱۲ هجری / ۷ تا ۱۸ میلادی - به وجود آورند. اینان، حتی در بازگویی و نقد منصفانه حکایات، اساطیر و الهه‌های یونان، مصر، ایران، هند و چین هم، عالمانه و صادقانه کوشیدند و سعی در بهترین برداشت داشتند. این منطبق باعث شد که مسلمانان حتی در هند با جمعیت بسیار زیاد هندو و بودایی، بتوانند حدود چهارصد سال حکومت مقتدر گورکانیان را داشته باشند و مردم غیرمسلمان را هم به رفاه برسانند؛ تا آن حد که فتح ثروت انبوه هند آرزوی پرتغال، هلند، اسپانیا، انگلیس و دیگر قدرت‌های نوظهور قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی بود.

۱. تاریخ فلسفه اسلامی، ماجد فخری.
۲. در عبود رفاه مندی دولت های مسلمان گورکانیان هند، عباسی، عثمانی، صفوی و برخی ممالک جنوب شرق آسیا و شهرهایی چون زنگبار در آفریقا می‌توان به کتب تاریخی مربوط به قرون پیش از سده های ۱۹ - ۱۸ میلادی - که شروع اوج گیری استعمار غربیان بود - مراجعه کرد از جمله: جلسهای مختلف کتب زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، به ویژه جلد دوم و پنجم.



با دزدی منابع مسلمانان و غارت کتابخانه های اندلس، بغداد، شام و ...، ترجمه کتب عربی مسلمانان به زبان های لاتین و اروپایی انجام شد، کم کم از حدود قرن ۱۷م. اروپاییان هم به تکاپو افتادند تا به دروازه های علم برسند؛ راهی که حدود هزار سال بود مسلمانان رفته بودند ولی غریبان در این دوران به دنبال اساطیر، افسانه ها، جادو، خرافه ها و جنگ های داخلی و رقابت های قبیله گرایانه بودند. به راستی بهترین مصداق از سیاه بودن قرون وسطی را می توان به ممالک اروپایی در طی سده های ۳ تا ۱۷ میلادی نسبت داد. قرون وسطی که تاریخ نویسی مرسوم غرب، سیاهی آن را نتیجه حکومت های مسیحی و دینی می داند؛ ولی حقیقتاً این تاریکی هزارساله غرب نتیجه دوری غرب از خط عیسوی که در آخرین رسول حق تجلی یافت و تمایل به پادشاهان دنیاپرست و یهودیان ماده گرا بود. البته متأسفانه در چهار قرن اخیر هم با شعارهای جدید فلسفی و رسانه ای، این انحراف تداوم یافته است.

مرحله هفتم: عصر احیای مجدد اساطیر هلنیستی و شکل گیری اساطیر مدرن

با اخراج مسلمانان از اروپا و تسلط زرسالاران دنیاطلب اکثراً یهودی بر این قاره — در حدود قرن ۱۶م. — و سرازیر شدن ثروت های مستعمرات آسیایی، آفریقایی و آمریکایی، هسته هایی برای دنیوی کردن دین و برداشتن موانع سرمایه داری در اروپا شکل گرفت. در ابتدا شاعرانی علیه دین به ویژه مسیحیت و به نفع اومانیسیم، اشعاری سرودند و پس از آن کم کم نویسندگان و سپس فیلسوفانی با حمایت زرسالاران منفعت گرا، به ترویج اومانیسیم در اندیشه و عمل پرداختند.^۳ اینان چنین انگاشتند که ترویج دوباره اساطیر یونانی - رومی و مصری که بر نفی توحید ربوبی و اتکا به عقل خود بسنده آدمی و زندگی منهای وحی مبتنی است، می توانند مانعی در پیشرفت سریع اسلام و بیدارگری آن در اروپا و دیگر نقاط جهان باشند. چرا که تقریباً تمام جنوب اروپا در دست عثمانیان بود و آسیا در دست دو امپراطوری مسلمان ایران و هند و ظرفیت و موفقیت های اقتصادی این سه امپراطوری مسلمان، بسیار فراتر از توان آن ها بود.

بالاخره با جنگ های دریایی طاقیت فرسا و استعمار دیگر ممالک و سرازیری ثروت سرشار قاره جدید - آمریکا - به سمت اروپا، کم کم، هند از دست مسلمانان بیرون رفت و پس از دو قرن کشمکش، انگلستان، هند را کاملاً چپاول کرد و مقدمه ای شد برای چپاول ایران و عثمانی. از ابتدای قرن هیجدهم میلادی اوج گیری تمدن مدرن غربی، آغاز گشت و قرن نوزدهم، سده برتری تمدن اومانیستی غرب بر جهان بود. در این دوران که با کشف نیروی بخار و برق، چرخ های صنعتی غرب هم با شدت بیشتری به حرکت درآمده بود، غریبان به سمت تکنولوژی و ماشینیسیم و پیشرفت صرفاً مادی شتاب گرفتند و روز به روز الیگارشی اشرافیت یهود، قدرت بیشتری می گرفت.^۴ در این دوران ارزشها و اساطیر مسیحی کمرنگ تر شد و اسطوره های جدیدی خلق شد؛ گرچه در این عصر برخی بر طبل مرگ اسطوره ها می زدند و بانگ از میان برداشتن هر

۳. واژه نامه فرهنگی، سیاسی، شهریار زرشناس، نشر کتاب صبح، چاپ اول، بهار ۸۲. ذیل عنوان اومانیسیم.

۴. برای مطالعه بیشتر ر.ک: یهودیان و حیات اقتصادی مدرن، پرفسور روتبر سومبارت، ترجمه رحیم قاسمیان، نشر ساسانی، چاپ اول، ۱۳۸۴ تهران و همچنین مقاله راز استیلای جهانی غرب، عبدالله شهبازی در وب سایت www.shahbazi.org

تقدس و امر متافیزیکی را برآورده بودند، اما عملاً تقدسات دروغین و اسطوره‌های جدیدی را تابوی بشر کردند. دیگر عقل‌گرایی - راسیونالیسم - حس‌گرایی - امپریسم و پوزیتیویسم - اصالت علم حسی - ساینسیسم - جدایی دین و دنیا - سکولاریسم - زن‌سالاری - فمینیسم - انسان‌پرستی - اومانیزم - ملی‌گرایی - ناسیونالیسم - ماشینیسم و تاختن بی‌محابا به سمت تکنولوژی پوزیتیویستی، تبدیل به مکتب و آیین جدید شده و پرستش پول و نفس اماره، هدف این تمدن شده بود و سودمحوری - یوتیلیتاریسم - سرمایه‌داری - کاپیتالیسم - و دموکراسی و لیبرالیسم اسطوره‌ای بی‌بازگشت و سرنوشت محتوم جوامع^۵ تلقی می‌شد که حتی سوسیالیسم هم در جدال با آن به بن‌بست رسید.

با نگاهی ژرف به اسطوره‌های این دوران، درمی‌یابیم که گرچه ظاهراً، اسطوره به معنای داستان‌های نیمه حقیقی متافیزیکی و الهام بخش حرکت بشر به سمت الگوهای تکرارپذیر وجود نداشت و حتی با آن مخالفت می‌شد، ولی اسطوره در معنای جدیدی، الگوی جوامع شده بود: حرکت‌های کلی حاکم بر حرکت تمدن اومانیزستی، که با زور یا فریب علمی و تبلیغاتی باید الهام بخش حرکت تمام جوامع با الگوی انگلیس و آمریکا باشد. به علاوه، تأمل عمیق، ما را به اینجا می‌رساند که کارکرد هر دو نوع این اسطوره‌ها از جهاتی یکسان می‌باشد:

۱. از جهت دوری بشر از خط حکمت و علم حقیقی؛
 ۲. از جهت یاوران و مبلغان این اساطیر که ماده‌گرایان به رهبری یهودیان بوده‌اند؛
 ۳. از جهت مشغولیت ذهن مردم دنیا به علم‌واره‌هایی ناقص و غفلت‌زا؛
 ۴. از جهت انسجام بخشی و الگودهی به ملت‌هایی خاص؛
 ۵. از جهت جاودانه کردن مفاهیمی که به نفع اسطوره پردازان و مروجان اساطیر بود.
- در همین دوران بود که یهودیت فریسی - خاخامی و صهیونیسم تاریخی^۶ خود را در قالب سازمان صهیونیسم علنی کرد و پوشش دین موسوی را از چهره زرسالارانی چون روجیلد کنار زد و مطامع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یهود حریص را هویدا کرد؛ پر واضح است که هدف ما در این نوشته تبیین اسطوره‌هایی است که تفکر مادی صهیونیستی - یهودی آن‌ها را ترویج و تولید می‌کند و به همین دلیل به چند اسطوره معروف خالصاً صهیونیستی اکتفا نمی‌کنیم و تلاش می‌کنیم که در بین کلمات و جملاتمان حتی به طور اشاره‌ای، بیشتر آنها را برشماریم. برای نمونه تثلیث مسیحی را که در زمان پولس - عالم یهودی قسی‌القلبی که دستش به خون نوایمانان مسیحی آغشته بود و سپس ادعای مسیحیت کرد و با نفوذ در آن دین، پسر خدا بودن عیسی (ع) را تبلیغ کرد - در مسیحیت راه پیدا کرد، یک اسطوره کذب صهیونیستی می‌دانیم که در فیلم‌های گوناگون هالیوودی ترویج می‌شود گرچه بیشتر اسطوره‌های سینمایی صهیونیسم مربوط به دوران

۵. اشاره به نظریه پایان تاریخ موکوما و نظریات هانتینگتون استراتژیست‌های مسلط کاخ سفید.
۶. صهیونیسم تاریخی، اصطلاح خوبی است که برای تبیین تفکرات صهیونیستی حاکم بر یهودیان پیش از تشکیل رسمی سازمان صهیونیسم به کار می‌رود؛ از مقدمه کتاب بیداری من، پیشین.



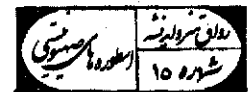
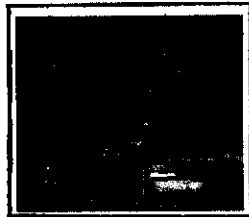
بعد از مدرنیته و اسطوره‌های یهودیت ماده گرا هستند که در ادامه بررسی خواهند شد.

مرحله هشتم: عصر روفق اساطیر باستانی و پست مدرن

اسطوره‌های دوران تجدد، با محوریت اومانیزم نه تنها راه‌هایی را به بشر نشان ندادند، بلکه باعث بروز دو جنگ بزرگ، درون تمدن غرب شدند و حدود صد میلیون از افراد بشر را به کام نیستی کشانند، کشورهای اروپایی را ویران کردند، صدای نابودی عقل و وجدان اومانیزست‌های سودمحور فاشیست و نازیست را به گوش عالمیان رساندند و به همه، این اطمینان را دادند که تمدن مدرن غرب، از برقراری امنیت، رفاه، آرامش و آزادی همه افراد بشر عاجز است و در قرن بیستم، «جنگ خرابی، فساد اخلاق، استعمار و پیشرفت یک جانبه مادی» که حاصلش بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی شد - برای بشر چیز دیگری به ارمغان نیاورده است؛ پس برخی اندیشمندان غربی، به اشتباه سیصد ساله خود پی بردند و این چنین دوران پس از مدرنیته، در حوالی نیمه قرن بیستم آغاز شد. در این دوران، اسطوره‌های تابو شده عصر تجدد به نقد کشیده شدند و پست مدرن‌ها چند دسته گردیدند:

۱. عده‌ای به سمت احیای متافیزیک مشغول و التقاطی و همچنین زنده ساختن اسطوره‌های یونانی - رومی و مصری رفتند و کابالیزم^۷، تصوف و ادیان جدید را زنده کردند.
۲. عده‌ای به سمت معناگرایی انحرافی و منهای خدای بودیستی - هندوئیستی رفتند و قرائت‌های غربی از این دو مکتب، مانند مدیتیشن را رواج دادند.
۳. عده‌ای به نقد بی‌امان تمام دستاوردهای دوران مدرن پرداختند و نتیجه گرفتند که نسبی‌گرایی و شک‌گرایی در فکر و پوچ‌گرایی در عمل چاره کار است. همین‌ها در عالم هنر، نویسندگی، شعر و سینما به پیش تاختند و از غرور مدرنیستی بشر با نیشخند یاد کردند.
۴. عده‌ای هم با تلاش و کوشش علمی، خستگی را خسته کرده و تلاشی برای رسیدن به حقیقت آغازیدند و اسوه‌های راستینی چون *روژه گارودی*، *حامد الکاز*، *رنه گنون*، *محمد لکن هاوزن* و... را به جامعه بشری تحویل دادند که با داشتن مدرک پرفسوری، بدون لجاجت بر دانسته‌های مرسوم دانشگاهی غرب، به دین واپسین فرستاده حق درآمدند.
۵. عده‌ای از صحنه گردانان ماده‌گرای قبلی هم، به این تحولات وقعی ننهاند و حریصانه، با روش‌های پیچیده‌تری به تکاثر ثروت خود پرداختند و سلطه انحصاری خود را بر گرده‌های اقتصادی دنیا، گسترش داده و با سوء استفاده از علایق معناگرایانه مردم در دوران پس از مدرنیته، بر دامنه فریب و اغوایشان افزودند؛ مانند صهیونیست‌هایی چون روچیلدا و برادران وارنر. متأسفانه بیشتر رسانه‌های دنیا در دستان همینان قرار دارد و دیگر عادی می‌نماید که بفهمیم یک یهودی صهیونیست مانند رابرت مردوخ یا سرداک دارای حدود صد نشریه، خبرگزاری و تلویزیون خصوصی در چهار کشور آمریکا، انگلیس، استرالیا و چین باشد! اینان که ابزار قوی

۷. در مورد کابالیزم - تصوف یهودی - مراجعه کنید به داستان حقیقی کابالا. هارون یحیی، ترجمه *بهاران خردمند*، مجله موعود، ش ۶۲. درباره ادیان جدید هم، منابع متعدد و مکاتب مجعول زیادی در سال‌های اخیر به وجود آمده است. از جمله رک: رابلیان، کیش بی‌خدا، *رسول انبیا دران*، مجله اخبار ادیان، شماره ۱۰.



سینما، اینترنت، ماهواره، تلویزیون و نشریات را به دست گرفته اند با تعمیق اسطوره‌های مشرکانه و غفلت از تبلیغ و ترویج این اساطیر، نظام آموزشی رسمی و خانواده‌ها را در نورددینند و از جامعه سازترین انگاره‌پردازان شدند و تاثیرات گسترده ای بر مردمان کشورهای خودی و بیگانه - هر کدام به فراخور حالشان - بز جای نهادند.

هالیوود یهودی - صهیونیستی

شاید بتوان گفت به دلیل اهمیت رسانه سینما و تلویزیون در دوران معاصر بود که صهیونیست‌ها اصلی‌ترین شرکت‌های هالیوود را ایجاد کردند و صنعت رسانه‌های جهان را پر از اسطوره‌های سینمایی خود کردند. پس با بررسی اسطوره‌های قدیم و جدید صهیونیستی است که می‌توان اسطوره‌های سینمایی هالیوود را شناخت؛ چرا که به گفته کارشناسان فن، امروزه بیش از نود درصد هالیوود، یهودی - صهیونیستی است.^۸ در این باره چون در مقالات دیگر به تفصیل بررسی‌هایی صورت گرفته است، فقط چند منبع را که به خوبی نفوذ اختاپوس صهیونیسم بر رسانه‌ها و هالیوود را به تصویر می‌کشند در پاورقی می‌آوریم.^۹ تنها به عنوان نمونه، اسامی برخی از مهم‌ترین کارگردانان و تولیدکنندگان قدیم و جدید یهودی هالیوود را می‌آوریم:

استیون اسپیلبرگ، رومن پولانسکی، استنلی کوبریک، تیم برتون، وودی آلن - با نام حقیقی و یهودی: آلن کونیکسبرگ^{۱۰} - مل بروکس - با نام یهودی و حقیقی: ملوین کامینسکای - بیلی وایلدر، سیدنی پولاک، ژوزف فون اشترنبرگ، جوئل سیلور، برنکو لاستیگ، ادولف زوکر، ساموئل زلتس، میشل ایژنر، سام گلدوین، جفری گاتزنبِرگ، کارل لامل، مارکوس لوی، لوتیس بی مایر، جک وارنر، لی واترمن، دارلی زانوک، سامنر رداستون - با نام یهودی و حقیقی: موری راث استاین - میشل سلموف، چارلی چاپلین - با نام یهودی و حقیقی: چارلز اسپنسر چاپلین - جری لوییس، پل نیومن، سام ریچی، آلبور استون، آریک فون اشتروهایم، دیوید زوکر، جری زوکر، جری بروکهایمر، لئونارد گلدبرگ، دیوید کوهن، برایان سینگر، هارون اسپلینگ و...^{۱۱}

بد نیست در اینجا فقط نام برخی از مهم‌ترین شرکت‌های رسانه‌ای را که در مالکیت یا مدیریت یهودیان قرار دارد نام ببریم:

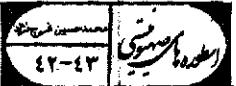
برادران وارنر، مترو گلدوین مایر، یونیورسال، پارامونت، پیکچرز، کلمبیا، فوکس؛ قرن بیستم، آمبلین، دریم ورکرز، یونایتد آرتیس، کانون، فالكون، فیاکوم یا ویاکام - که صاحب شبکه‌های شو تایم، Nickelodeon، M.T.V می‌باشد - اسکای نیوز، نیوزگروپ، والت دیزنی و شرکت‌های تابه اش، چون دیزنی لند، دیزنی ورلد، توکیدیزنی و...، S.K.G. بخش آمریکایی، سونی^{۱۲}، A.B.C. و شرکت‌های وابسته اش، نیورلد اینترنتمنت و...^{۱۳}

اسطوره‌های سینمایی صهیونیسم

تاکنون بدینجا رسیدیم که امروزه، اسطوره چه در معنای الهامات متافیزیکی و نیمه حقیقی -

۸. این گفته را از کارشناسان متعددی دیده و شنیده ایم؛ از جمله مارک ویر متقد و نویسنده مرشئاس غربی و همچنین استاد مجید شاه حسینی، متقد و کارگردان سینما و همچنین دکتر پورحسین رئیس شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی ایران و همچنین محمد التیپی - کتاب اسرائیل تسرق الفن المصری، مدیولی الصغیر، الطبعه الاولی، ۱۹۷۷م - نقل می‌کنم. در نامی که در پاورقی بعد هم آمده، شواهد بسیار زیادی در این باره آمده است.

۹. سلطه پنهانی، سیطرة ناموسی صهیونیسم بر سیاست، فرهنگ و افکار ملت‌ها، دکتر مجید هفا تاج، نشر آرون، چاپ اول، ۱۳۸۳، تهران؛ یهود در فرهنگ، تبلیغات و رسانه‌های غرب، ژاد ابوغنیمه، ترجمه عبدالفتاح احمدی، مؤسسه فرهنگی - پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۸۰، تهران، بیلاری من، مؤسسه لوج و قلچین، پیشین؛ نفوذ صهیونیسم بر رسانه‌های خبری و سازمان‌های بین‌المللی، فراد بن سید عبدالرحمن الرفاعی، ترجمه حسین سرورقامت، کیهان، ۱۳۷۷؛ نفوذ صهیونیسم در مطبوعات، میراث‌الفتح دعوتی، نشر ایام، ۱۳۷۹، قم؛ آمریکا بدون نقاب، سیهانتم میراوخی، کیهان، چاپ اول، ۱۳۸۰، تهران؛ جهان زیر سلطه صهیونیسم، نمنس الدین رحمانی، نشر سپاه پاسداران، ۱۳۶۱، تهران؛ الشخصية العربية فی السینما، احمد رافت بهجت، قاهره، بی تا نگاهی به لاسی صهیونیستی در آمریکا، مارک ویر مدیر مؤسسه بازنگری تاریخی، روزنامه



رسالت، شماره ۲-۵۲، خرداد ۸۳ ص ۸
 به نقل از سایت IHR.org؛ چالش با
 تبلیغات صهیونیسم از کانون آن در
 آمریکا، صلاح حافظ (مصری)، روزنامه
 سیاست روزه ش ۶۹۶ ۸۲/۷/۸ ص ۶
 و شماره ۸۲/۷/۱۳ ص ۶
 اهریمن صهیونیسم در بازار مکاره کن.
 روزنامه کیهان، ۸۰/۲/۲۲ ص ۱۲؛ ستاره
 اسکار، صنعت یهودی، روزنامه کیهان،
 ۸۰/۵/۱۲ ص ۱۲ سینما و صهیونیسم،
 سایت علمی پژوهشی یهود
yahood.ir و وبلاگ سینما و
 صهیونیسم
cinemazion.blogfa.com
 متن فیلم مستند سینما سرزمین موعود
 صهیونیسم، دکتر مجید نساء حسینی،
 کانون فرهنگی بشری، متن کامل این
 جزوه بر سی دی کتابخانه دیجیتال
 صهیونیسم، نشر موسسه اطلاع رسانی و
 مطالعات فرهنگی لوح و قلم هم به
 همراه متن کامل ۲۹ کتاب دیگر موجود
 است. پشت پرده هالیوود، فیلیپ،
 ترجمه مهران شایانگ، روزنامه رسالت
 ، شماره ۵۲۳۶ ۸۳/۴/۹ ص ۱۴؛
 سینمای صهیونیستی و تحریف تاریخ،
 شمس الدین العجیلانی، نشریه ندای
 قدس، سال پنجم، شماره ۷۸، ص ۴۷؛
 متن فیلم مستند هالیوودینسم سینما و
 روای آمریکایی، نویسنده و کارگردان:
 سینکسر جاکوبوویچ، محصول ۱۹۹۷
 آمریکا، بر اساس کتاب امپراطوری
 خودشان، چگونه یهودیان هالیوود را
 اختراع کردند، نیل گولبر، نشر جهاد
 دانشگاهی، واحد الزهراء، هالیوود و
 فرهنگ سازان شیطانی، رامین شریف
 زاده، فصلنامه، کتاب نقد شماره ۳۲،

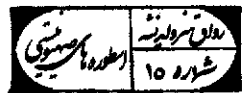
نیمه مشترکانه و چه در معنای افسانه و حکایت‌های تابو شده - که ممکن است درصد پایینی از
 حقانیت را داشته باشند یا کاملاً دروغین باشند - در مغرب زمین، به شدت رواج دارد و مهم‌ترین
 ابزار انتقال اساطیر، رسانه‌ها به ویژه سینما می باشند و امروزه شاید بتوان در یک تعریف،
 اسطوره‌های هالیوود را داستان هایی دانست که قهرمانش جامع فضائل با قرائت هالیوودی
 باشد.^{۱۴} یا می توان چنین تعریفی برای اساطیر هالیوود گفت:

جمل داستان‌ها و افسانه‌های سینمایی که سیاستی خاص را دنبال می‌کنند.

پیشاپیش روشن شد که منظور ما از اساطیر صهیون ماب تنها پنج یا شش اسطوره معروف که
 در همه کتابها و مقالات آمده، نیست؛ بلکه تلاش می کنیم با بررسی عمیق و موشکافانه
 محتوای اساطیر و دیدن مجریان و عالمان صهیون اندیش، تاریخ تحریف یهودیت و مسیحیت به
 سمت ماده گرایی فریسی، خاخامی و مسیحیت پولسی - یهودی را مورد توجه قرار دهیم و با
 نظر داشت صهیونیسم تاریخی و کارکردها و نتایج بسط این اساطیر، به اسطوره‌های سینمایی
 صهیونیسم دست یابیم؛ البته این تلاش، ناقص و نیازمند تکامل است.

قبل از شروع این قسمت از بحث، لازم است که به طور منسجم و مجمل، دلایل رویکرد
 گسترده هالیوود و اربابانش را به سمت اسطوره‌های سینمایی یادآور شویم. سینما چون با تصویر و
 موسیقی سر و کار دارد و فهم زبان این دو، نسبت به زبان گفتار و نوشتار راحت‌تر است، طیف
 وسیع‌تری از مخاطب را سریع‌تر از کتابت و گفتار تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ گرچه عمق تأثیر آن دو
 را ندارد. سینما با صدا و سیمایش می‌تواند اساطیر و حکایات دور از ذهن راه عینی و راحت الهضم
 کند و تصاویر این اساطیر را بر ذهن مخاطب حک کند، به ویژه با همراهی جذابیت‌های زیبایی
 شناختی، دکور، گفتار متن، جلوه‌های ویژه، ضرباهنگ مناسب و روایت به جا، می‌تواند بُرد زمانی و
 مکانی پیام هایش را طولانی‌تر سازد. عموم مخاطبان نیز - که از کار روزانه و آلودگی‌های صوتی
 و بصری و اخلاقی جامعه ماشینی، خسته و درمانده شده اند و یک فیلم سینمایی را برمی‌گزینند
 تا با دیدن آن اندکی آرامش و سرگرمی داشته باشند^{۱۵} - مختارانه و منفعلانه از این رسانه تأثیر
 می‌پذیرند. به علاوه، تأثیرگذاری سینما بسیار بیشتر می‌شود؛ چون مخاطبان، در دیدن فیلم، دیگر
 زحمت مطالعه و تفکر را نمی‌کشند و با راحت‌طلبی تشدید شده عصر تکنولوژی، به صندلی ابری
 تکیه می‌دهند و اراده خود را در اختیار کارگردان می‌گذارند تا ساعتی ذهنشان را با قصه‌ای
 رمانتیک، یا خشن یا خیالی یا فلسفی یا تاریخی پر کند و آنها لذت ببرند.

اسطوره‌ها، همگی با خیال و وهم بشر ارتباط مستقیم دارند و برخی ریشه‌هایی تاریخی هم
 دارند و با خشونت یا عشق، قرین هستند و همگی آرمان و الگویی به بشر عرضه می‌کنند یا
 تابویی را یادآوری می‌کنند که همواره در قالب قصه‌ای، جاودانه شده‌اند. سینما هم چیزی جز زاویه
 نگاه کارگردان فیلم به عالم حقیقت نیست^{۱۶} پس کارگردان به خوبی می‌تواند از این شباهت‌های



سینما و اسطوره استفاده کند و اساطیر برگزیده خویش را با گزینش تکنیک مناسب سینمایی، به خورد مخاطب دهد و الگو یا تابوی مورد نظر خود را از طریق نقل اسطوره به صورت سینمایی ماندگار کند. به همین جهت است که گفته‌اند این، سینمای آمریکاست که قهرمان پرور و فرهنگ ساز است و الگودهی جهانی دارد و ارزش‌های خویش را به همه جا می‌گستراند، چرا که اکنون به شدت با اسطوره‌ها می‌زید؛ ولی سینمای اروپا که به رئالیسم انتقادی پای بند است، قدرت اسطوره پردازی، الگوسازی و قهرمان سازی را از دست داده و منفعل و تأثیرپذیر باقی مانده است و در برابر تهاجم فرهنگی هالیوود بی دفاع شده است.^{۱۷} به ویژه که دینداری عقل محور در اروپا بسیار کم‌رنگ است و در برابر اساطیر تصویری هالیوود، توان چندانی برای ایستادگی ندارد.

فرمول نوشتن یک فیلم نامه اسطوره ای در هالیوود

اهمیت تولید فیلم های اسطوره ای در هالیوود آنقدر زیاد است که اخیراً، کتابی به نام سفر نویسنده^{۱۸} در آمریکا منتشر شده است. این کتاب تا کنون حدود بیست و سه میلیون تیراژ داشته است و خوانندش برای همگی کارگردانان و تهیه کنندگان هالیوودی ضروری گردیده است. این کتاب، نحوه فیلم نامه نویسی با اسطوره را آموزش می دهد. نقشه اسطوره ای این کتاب، از سبک جوزف کمبل، اسطوره شناس ساده نویس آمریکایی و صاحب دو اثر معروف: قدرت اسطوره و قهرمان هزار چهره، تبعیت می کند. یعنی می توان طبق سبک دیگر اسطوره شناسان هم، چنین آثاری را تولید کرد.

نکته شایان ذکر این کتاب، خط بطلان کشیدن روشنش بر توهم هنر برای هنر و هنر برای سرگرمی است؛ چرا که نویسنده یادآور می شود در این کتاب دو سفر داریم: یکی سفر قهرمان ماجرا تا یافتن اکسیر حیات بخش و دیگری سفر و سلوک نویسنده فیلم نامه که در مسیر نوشتن، چنان سلحشوری است که بایست اکسیر حقیقت را کشف کرده، آن را تبلیغ کند و پاس بدارد. البته دور نیست بیندازیم در فضای هالیوود، حقیقت به نفع سردمداران آن رقم خواهد خورد و در هر صورت آثار هالیوودی متکی بر این الگو، به سمت ایده ها و منافع زرسالاران حاکم، هدایت خواهند شد.^{۱۹}

این کتاب شامل دو دفتر است:

دفتر اول، نقشه سفر و تبیین عوامل مهم یک اسطوره است که شامل این بخش هاست:

۱. راهنمایی های عملی؛

۲. صورت های مثالی یا کهن الگوها؛

۳. قهرمان: مهم ترین بخشی که امکان اسطوره پردازی را می دهد، همین قهرمان است؛

۴. استاد یا پیر راهنما که ممکن است زن یا مرد باشد و در برهه های حساس، راهنمایی های روشن یا میهمی به قهرمان می کند. در فیلم هایی چون *ارباب حلقه ها*، *هری پاتر* و *جنگ ستارگان*، این ساختار هویدا است.

پاییز ۱۳۸۲، ویژه نامه صهیونیسم.
۱۰. تغییر نام به نام های مانوس تر
جوامع در حال استعمار و تغییر چهره با
جراحی پلاستیک و حتی تغییر دین
ناکتیکی از روش های قدیمی
صهیونیستها برای نامین.
۱۱. برای دستیابی به نام بازیگران، تهیه
کنندگان، کارگردانان و سایر عوامل
یهودی سینما می توانیید به این آدرسها
مراجعه کنید:

با عنوان Famous (famous
jews
(interactive)

WWW.yahoo.com

Topic/list-of-jewish-american-entertainers

WWW.answers.com

Jew-entertainment/folder.html

WWW.jewwatch.com

و یا می توانیید در پایه المارف اینترنتی
www.thefreedictionary.com
Wikipedia عبارت:

list of noted jewish

را جست و
جو کنید تا فهرست مفصلی - بیش از
هزار نفر - از یهودیان شاغل را به شما
ارائه دهد.

۱۲. در کتاب آمریکا بدون نقاب، پیشین،
ص ۱۱۹، می خوانیم:

از اواسط دهه ۸۰ میلادی ژاپنی ها
شروع به خرید تعدادی از استودیوهای
هالیوودی کردند ولی بعد از گذشت یک
دهه هنوز هم صدیزار یهودی و
صهیونیست باقی مانده اند و ژاپنی ها
متوسطی بیش نیستند مثل کمپانی ژاپنی
Mitsushita که MCA



universal را خریداری نمود و پس از آن همان صهیونیست‌های سابقند؛ لو واسرمن، سد شنیبرگ و تام پولک.

در مورد نفوذ صهیونیسم در ژاپن مجال دیگری باید داشت که بتوان به طور مفصل آن را بررسی کرد، فقط اجمالاً متذکر شوم که حدود ۷۰٪ ثروت فلسی ژاپن، آمریکایی - صهیونیستی است و ارتش ژاپن هنوز کاملاً مستقل از ارتش آمریکا نیست.

۱۲. برای جست و جوی بیشتر مراجعه کنید به: بهسازی من، پیشین، فصل پنجم؛ نفوذ یهود در فرهنگ و رسانه های آمریکا، آمریکا بدون نقاب، پیشین، مقاله سینما و صهیونیسم از سایت علمی پژوهشی یهود، بخش تاریخچه هالیوود و سلطه یهودی، پیشین.

۱۳. این تعریف را از سخنرانی جناب آقای منصور برهیمی در شهریور ۱۳۸۵ در خانه هنر و اندیشه قم وابسته به مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما گرفته ام.

۱۵. متأسفانه در تبلیغات موجود و بسیاری از نقد واره های سینمایی هم این حرف غلط ترویج می شود که هنر برای هنر، سرگرمی و آرامش وجود دارد، اما قطعا هنر غیررحمانی و در عین حال غیر شیطانی، اجتماع نقیضین می شود و هنر هم مانند تمام اندیشه ها و عملکردهای بشر جهت دار است حتی اگر جهت آن بی‌خیالی، بی‌مسئولیتی، بی‌تهدید، لاقیدی و اباحه گری باشد که همین، منفی ترین جهت گیری در زندگی یک فرد می تواند باشد. برای مطالعه بیشتر رکذ اینته جافو، شهید

۵. نگاهیان آستانه که از زمان افتادن قهرمان در عرصه خطر، به صورت هایی چون سگ سه سر یا ازدها ظاهر می شود که از گنج نگهداری می کند.

۶. منادی یا پیک که پیام آور است. ممکن است دو نقش در یک نفر جمع شود، برای نمونه منادی و متلون یکی شوند.

۷. متلون که شکل عوض می کند و ممکن است در اساطیر مختلف، خیر یا شر باشد.

۸. سایه که قطب شریر و دغل ماجراست و حتی ممکن است شریک قهرمان باشد. گاهی مانند فیلم سکوت بره ها استاد و سایه یکی می شوند.

دقت دوم، مراحل سفر یا همان خط داستان است و شامل این بخش هاست:

- تصویر کردن دنیای عادی؛

- دعوت قهرمان به وارد شدن در ماجرا که توسط منادی انجام می گیرد و بعضاً قهرمان به توان خود باور ندارد و این دعوت را رد می کند و در این فضا، با راهنمایی استاد به راه می افتد.

- عبور قهرمان از نخستین آستانه؛

- گذشتن مجموعه آزمون ها و معرفی متحدین و دشمنان یکی پس از دیگری؛

- نزدیک شدن قهرمان به ژرف ترین غار و سخت ترین گذرگاه؛

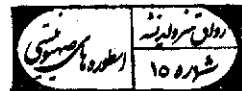
- آزمایش عمیقاً مشکل قهرمان یا خان؛ تا اندازه ای که پس از این مرحله هاست که قهرمان به رسمیت شناخته می شود. هفت خان رستم یا دوازده خان هرکول یا گنر سیاوش از آتش، در همین مرحله است.

- پاداش؛

- مسیر بازگشت قهرمان با اکسیر تجدید حیات؛ اکسیر، ماده یا نیرو یا کشفی زندگی بخش است که تنها قهرمان می تواند به آن دست یازد. در این مرحله با بیابان و خشکی یا پادشاه بی فرزندی رو به رو هستیم که با رسیدن اکسیر، شاهد حیاتی دوباره خواهیم بود.

اسطوره، راز رسیدن بنی صهیون به ساحل نجات

اکنون آن چنان اسطوره پردازی سینمایی، صهیونیست‌ها را به اهداف خود نزدیک کرده است که سینما را ساحل نجات خود می‌دانند و آن را مهم‌ترین وسیله برای حفظ حافظه تاریخی یهودیان و بسط ارزش‌های غربی یافته‌اند و برای پشتیبانی و خط دهی همیاران متفرقشان در اقصی نقاط عالم، ابزاری قوی‌تر از سینما نیافته‌اند. به علاوه، با نظر داشت انسجام نظام تبلیغاتی غرب، به این منزل رهنمون می‌شویم که وقتی آثار سینمایی از جانب آثار ادبی، رمان‌ها و اساطیر رسوب کرده در ذهن مردم و تبلیغات رسمی و پیش دآوری‌های مردم تأثیر پذیرفته از این نظام منسجم تبلیغاتی، حمایت و تأیید شود، کارآمدی‌اش صد چندان می‌شود و اسطوره‌ها همچون وحی تلقی شده و جاودانه‌ترین حقیقت تلقی می‌شوند. خصوصیتی هم در اسطوره هاست که جذابیت اثر



سینمایی با آنها دو چندان می‌شود و آن رازآمیز بودن اسطوره هاست که به همراه ابهامات تعمّدی در جای جای فیلم نامه‌ها، اثرگذاری شدیدتری دارند و اساطیر، مناسب‌ترین داستان‌ها برای تبدیل شدن به فیلم و مناسب‌ترین سبک برای داستان نویسی می‌شوند. با توجه به یک خصوصیت کلیدی صهیونیست‌ها یعنی جعل و کتمان تاریخ و به غفلت کشاندن بشر، می‌توان دلیل دیگر استقبال زیاد آنان از اسطوره‌ها را یافت؛ چرا که با داغ شدن بحث‌های ناشی از ترویج اسطوره‌ها، آتش حقیقت فروکش کرده و با عوض شدن دغدغه‌های مردم و ازدیاد غفلت‌ها و اغوجاجات، جایی برای نور حقایق و علوم مفید، باقی نمی‌ماند و آب‌های گل آلود، فرصت بیشتری برای صید غافلان و دورماندگان از حقیقت، توسط این شیادان دغل به وجود می‌آورد.

در این بخش در تلاشیم برخی از مهم‌ترین اساطیر صهیونیستی سینما و مصادیق آنها در فیلم‌ها را به صورت مجمل، توضیح دهیم و گزینه بررسی کامل برخی از این اسطوره‌ها به تنهایی نیازمند صفحات زیادی می‌باشد.

اسطوره ارض موعود، میراث نیاکانی، سرزمین مادری، اسرائیل بزرگ، شهر زایان

صهیونیست‌ها می‌گویند چون ما از نژاد ابراهیم (ع) هستیم و در کتاب تورات چنین وارد شده که:

در این روز خداوند با ابراهیم پیمان بست و گفت: این سرزمین، از رود مصر گرفته تا شط بزرگ و از آنجا تا شط فرات، را به نسل تو می‌بخشیم.^{۲۰}
 پس اکنون مالکیت نیل تا فرات از آن ماست. خانم گلدن صایر و آقای مناخیم بگین از سران صهیونیسم، در مورد این اسطوره چنین اظهار نظر کرده اند:
 این زمین به ما وعده داده شده بود و ما بر آن حق داریم.^{۲۱}
 همچنین موشه دایان شرط یهودی بودن را تسلط بر فلسطین می‌داند:
 اگر بر تورات مسلطیم، اگر خود را قوم تورات می‌دانیم، بایستی بر سرزمین‌های توراتی نیز مسلط شویم، سرزمین‌های قصاصات و ریش سفیدان، بیت المقدس، حبرون، اریحا و باز هم جاهای دیگر.^{۲۲}

این وعده اجدادی در جاهای دیگری هم نسبت به سرزمین‌های خاص آمده است که اکنون بیشتر در ناحیه کرانه باختری رود اردن فعلی قرار دارند،^{۲۳} در برخی جاهای به طور سمبلیک، نام تبه کتار شهر بیت المقدس، زایان - Zion - یا خود این شهر - همان اورشلیم - نماد ارض مقدس و سرزمین موعود می‌شود.

بر اساس این اسطوره، فیلم‌های زیادی همچون پرنس مصر،^{۲۴} ده فرمان^{۲۵} و کتاب آفرینش^{۲۶} ساخته شده است و در فیلم‌های بسیار زیادی به صورت سمبلیک، فردی دور از خانه یا کودکی دور از مادر یا خانواده را به نمایش می‌گذارد که پس از تلاش بسیار به خانه و سرزمین مادری

سید مرتضی آوینی، نشر ساقی، چاپ دوم، ۱۳۶۹، تهران. به ویژه مقاله جادوی پنهان و فلسفه نازیسمی و زبان تلویزیون، سینما و اوقات فراغت از همین اثر.

۱۶. آینه جادو، پیشین، ص ۳۶.
 ۱۷. سخنرانی آقای منصور براهمی، پیشین.

۱۸. عنوان انگلیسی این اثر writers journey، نوشته کریستوفر وگلر می‌باشد.

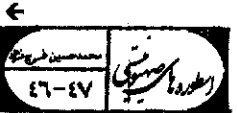
۱۹. در این قسمت استفاده شایانی از سخنرانی آقای منصور براهمی در شهریور ۱۳۸۵ در خانه هنر و اندیشه قم، وابسته به مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما برده ام.

۲۰. کتاب مقدس سفر تکوین (پیدایش) باب ۱۵، فقرات ۸ - ۲۱.

۲۱. پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، روزه گارودی، ترجمه دکتر نسرین حکمی، نشر وزارت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹، تهران، ص ۳۹.

۲۲. منبع پیشین.

۲۳. این وعده در مورد ناحیه شکیم در سفر پیدایش ۳۴:۱۲ در مورد منطقه بیت ایل در سفر پیدایش ۱۳:۱۴ - ۱۶ و ۲۸: ۱۳ - ۱۵ و ۲۵: ۱۱ - ۱۲ و در مورد منطقه مامربه نزدیک اریحا در سفر پیدایش ۱۸: ۱۸ - ۲۱ و ۱۷: ۴ - ۸ آمده است. ر.ک: تاریخ یک ارتداد اسطوره‌های بنی‌نگار سیاست اسرائیل، روزنامه گارودی، ترجمه حمیدرضا آژیر و حمیدرضا شیخی، نشر گوهرشاد چاپ اول، ۱۳۷۷، تهران، ص ۱۷.





خود با می‌گردد؛ در اساطیر ملل مختلفه، خصوصاً یهودیان، مادر، نماد سرزمین و وطن است و صحنه سمبلیک فرو رفتن خورشید در عصر گاهان پشت تپه‌ها یا در دریای بی انتها هم، به صورت نمادین بازگشت آواره به آغوش سرزمین مادری را به تصویر می‌کشد.^{۲۷} در فیلم‌های بسیاری، به طور مکرر شاهد چنین صحنه‌هایی بوده‌ایم؛ مانند انیمیشن روباتها که ستاره جوان فیلم به خاطر نجات خانواده‌اش همه خطرات را پذیرفت یا فیلم ماتریکس^{۲۸} که برای نجات سرزمین زایان، تلاش بسیاری شد.^{۲۹} در انیمیشن جدید *سنندباد و افسانه هفت دریا*^{۳۰} هم، قهرمان فیلم باید از هفت دریا بگذرد و کتاب صلح را از خدای جنگ هلنیستی - اریس - بدزدد و شهر سیراکوس و شاهزاده عادل - پروتئوس - را از خطر نابودی نجات دهد.^{۳۱} در همه قسمت‌های لوک خوش شانس^{۳۲} هم شاهدیم که قهرمان داستان در پایان غرورانگیز پیروزی‌هایش، در غروب‌ی زیبا، به سمت خورشید می‌رود، در حالی که سوار بر اسب خوش اخلاقش جالی است و سگ بذله‌گوشش بوشوک هم آنها را همراهی می‌کند و به تدریج صدای موسیقی اوج می‌گیرد و خواننده‌ای با صدایی خسته شروع می‌کند به خواندن این متن انگلیسی:

I am a poor lonesome cowboy, and a long way from home

یعنی:

من گاوچران تنهایی هستم که از خانه ام دور افتاده‌ام!

لازم به توضیح است که سرزمین موعود در برخی از آثار هالیوودی فقط فلسطین نیست و برای جذب مسیحیان - که معتقد به عهد قدیم از کتاب مقدس هستند - و یهودیان سراسر جهان به سرزمین نو - آمریکا - تبلیغات زیادی صورت گرفت که ارض موعود، همان آمریکاست که باید به آنجا بروید تا زمینه آمدن موعود نجات بخش، فراهم شود. ویل دورانت در مجموعه تاریخ تمدن، کریستف کلمب را یک یهودی پرتغالی الاصل می‌داند که برای کاستن از مصائب یهودیان، سفر مقدسی را در جستجوی ارض موعود آغازید و به آمریکا رسید؛ لذا از دیر باز نیویورک یا همان شهر جدید، پایتخت مالی یهودیان جهان بوده است. البته در مورد *آریل*، مشوقه، همسر و همکار یهودی ویل دورانت در نوشتن تاریخ تمدن و تفکرات یهودی او باید جداگانه سخن گفت.^{۳۳}

۳۴. Prince Of Egypt به

کارگردانی برندا چین و استیو میکس،

محصول ۱۹۹۸.

The Ten. ۲۵

Commanments

سیسبیل

بی‌شمیر کارگردانی بود که با فاصله ۳۳

سال دو نسخه از این فیلم ساخت:

۱۹۲۳ و ۱۹۵۶ میلادی و این نشان از

موقیعت اثر او در انسجام بخشی و

هویت دهی به یهودیان بوده است.

۳۶. این اثر بر منهای سفر پیدایش از

عهد عتیق، به کارگردانی جان هیوستون

در سال ۱۹۶۶، ساخته شد

۳۷. جزوه یهود و هنر (۲) سخنرانی استاد

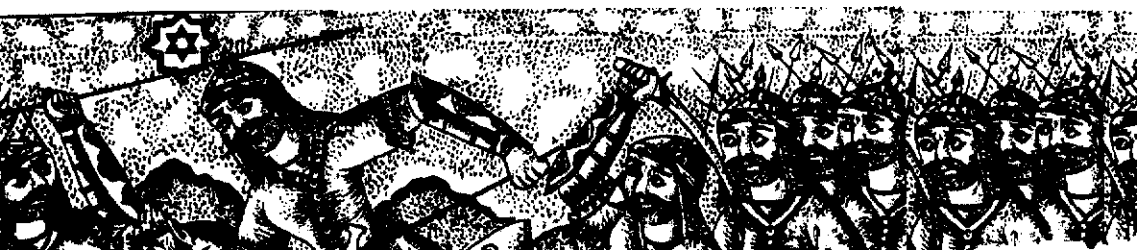
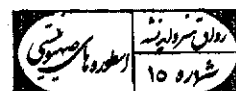
نمس الدین رحمانی در تاریخ ۸۲/۴/۱۹

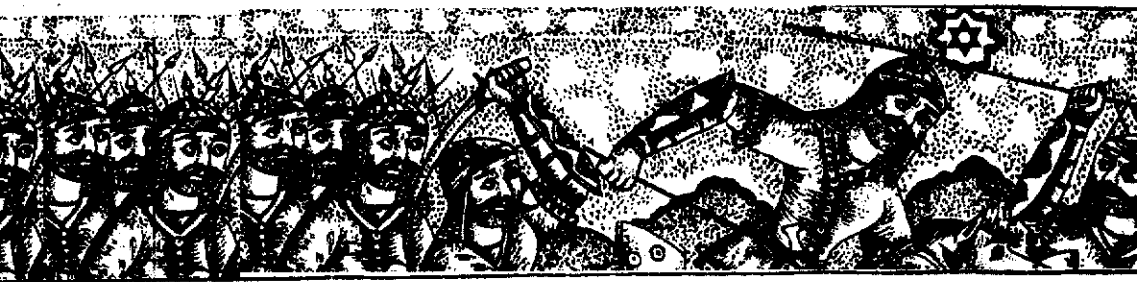
: عبارت رفتن به سمت خورشید در

تورات آمده است و در بین یهودیان رایج

است و منظور از آن بازگشت به سرزمین

موعود است.





سینمای اروپا هم در این مسیر از رقیب هالیوودی خود دور نمانده و آثاری با همین مضمون تولید کرده است. فیلم هایی از قبیل مجموعه ایندیانا جونز، *دنای آب*، سفر به غرب وحشی، *خوشه های خشم* و... بر مبنای همین الگوی اساطیری ساخته شده اند.^{۳۳} و این رشته سر دراز دارد...

نقدهایی بر این اسطوره

مطالعه اساطیر باستان خاورمیانه، در مورد وعده زمین، ما را به آنجا می‌رساند که در همه آنها چنین وعده‌ای وجود داشته است تا اندازه ای که به گفته روزه گارودی:

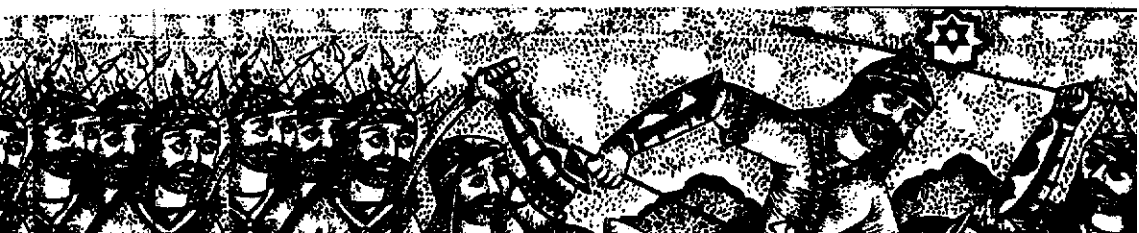
اگر عبرانیان چنین وعده‌ای دریافت نمی‌کردند، حقیقتاً استثنایی بودند.^{۳۴}

از طرفی اولین صحبتی که در سفر پیدایش از این وعده می‌شود از سوی خدای یهود - یهوه - نیست، بلکه این وعده از سوی خدای کنعانی *آل*، در یکی از جلوه‌های محلی‌اش داده شده است و این اجازهای بود از سوی یک خدای محلی صاحب زمین، که به خانه به دوشان بنی اسرائیلی حق اقامت در زمین‌های خود را عطا کرده بود.

همچنین این قبایل دوازده گانه متفرق، پس از اسکان و گرد آمدن در فلسطین، به وعده‌های قدیمی، بعد جدیدی دادند و این وعده، رنگ سیاسی، نظامی و ملی به خود گرفت و تبدیل به آغازی برای اشغال غاصبانه فلسطین شد و گرنه هیچ سند حقوقی از جانب خدا و با امضای فرضی او در دست نیست که ثابت کند یهودیان پس از چند هزار سال حق دارند برای تحقق آن وعده، فلسطینیان را از خانه و کاشانه خود بیرون کنند و آنجا را غصب نمایند.^{۳۵}

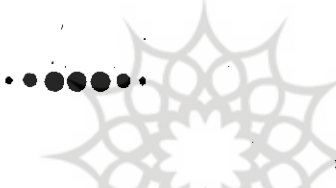
نهایت آنکه این وعده به خاطر خصلت خاک فلسطین یا نژاد بنی اسرائیلی نبود، بلکه به دلیل بیعت آنان با خداوند بود که هر زمان شکسته شد و پیامبران او فراموش شدند و ماده گرای و بشر محوری، آرمان صیهونیست‌ها شده آن وعده هم از بین می‌رود و ملاک، حرکت کردن در مسیر توحید ناب است؛ چرا که خداوند، مالک همه سرزمین هاست و خلقای واقعی او جانشینان او در زمین‌اند. یک خاخام ضد صیهونیست در نقد این اسطوره می‌گوید:

صهیون، مقدس نیست، مگر آنکه قانون خداوندی بر آن حکومت کند و این بلان





معنا نیست که هر قانونی که در اورشلیم وضع شود، یک قانون مقدس است... سنت پیامبرانه به روشنی نشان می‌دهد که تقدس زمین، به خاک یا مردم آن نیست و تقدس مردم، تنها به حضور آنان در این قلدرو [مادی] مربوط نیست. تنها وفاداری به اتحاد الهی، که در رفتار مردم صهیون نمود می‌یابد، قدسی است و شایسته صهیون می‌باشد. به هر روی دولت کنونی اسرائیل هرگز صاحب این حق نیست که انجام برنامه الهی برای یک عصر مسیحایی را به خود نسبت دهد. اینجاست آن عوام فریبی که آمیزه‌های است از زمین و خون...^{۲۷}



ادامه پاورقی ها :

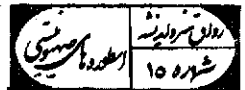
۲۸. matrix این فیلم سه قسمتی با هزینه‌ای حدود پانصد میلیون دلار در سال‌های ۱۹۹۹ - ۲۰۰۲ به کارگردانی برادران واچسکی و تهیه‌کنندگی جولی سلور یهودی توسط کمپانی صهیونیست برلتران وارنو ساخته شد و مجموعه نه انیمیشن هم با نام کلی انیماتریکس در تبلیغ اندیشه‌ها و اهداف فیلم ساخته شد که سه انیمیشن را برادران واچسکی و نش انیمیشن را چند کارگردان ژاپنی صهیون ماب ساختند. البته بازی کامپیوتری این فیلم هم مانند بیشتر آثار هالیوودی به بازار آمد و تمام اصول مورد نظر فیلم را دنبال کرد.

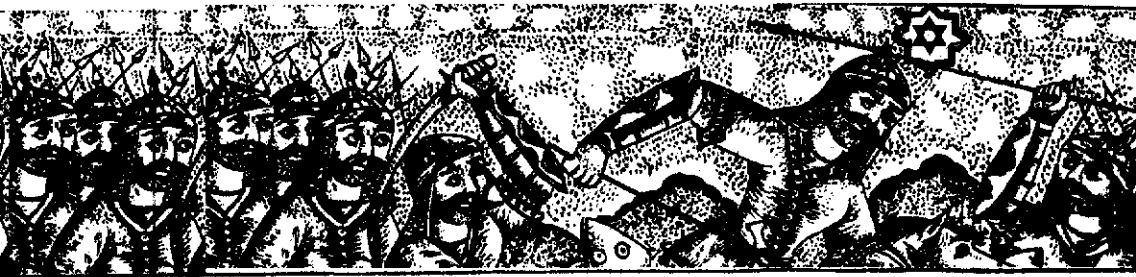
۲۹. برای مطالعه بیشتر رک: سینما و فلسفه، شک گزایی و صهیون، نقد محتوایی فیلم ماتریکس، نویسنده همین مقاله، مجله معرفت، ش ۵۵.

۳۰. Sindbad: Le gende of The Seven Seas فیلم نامه این اثر را جان لوگان، سناریست فیلم گلابدیاتور نوشته است و کمپانی صهیونیستی والت دیزنی این انیمیشن را به کارگردانی پاتریک گیمور و تیم جانسن، عضو گروه کارگردانی انیمیشن مورچه‌ها، ساخته است و صدایندگان یهودی چون مینل فایفر به جای لریس، رب فنوع جنگ حرف می‌زند و دیگر خبری از فضای شرقی ماجراهای سندباد نیست و از علی بابا و علاءالدین هم اثری دیده نمی‌شود و خشونت و یونانی مایی به وفور در این انیمیشن کودکانه دیده می‌شود.

۳۱. برای مطالعه بیشتر رک: دزد دریایی کتاب صلح را می‌زدد، روزنامه جام‌جم، شماره ۱۰۰۹، شنبه ۱۳۸۲/۲۰.

۳۲. Lucky Luke مجموعه‌ای از کمیک بوک‌هایی بود که توسط مورریس بلژیکی (۱۹۲۳ - ۲۰۰۱) طراحی شد و تا کنون ۷۱ کتاب از مجموعه داستانهای لوک خوش شانس منتشر شده است. شرکت آمریکایی هانا - باربرا در سال‌های ۱۹۸۲م. (۲۶ قسمت) و ۱۹۹۱م. (۲۶ قسمت) و ۲۰۰۱م. (۵۲ قسمت) از کارتون‌های لوک خوش شانس را ساخته و روانه بازار کرده است. این کمپانی انیمیشن





- تام و جری را هم ساخته است. ویلیام هانا و جوزف باربرا در سال ۱۹۴۰م. اولین کار مشترک موش و گربه ای خود را ساختند که بعدها تام و جری نام گرفت. همچنین انیمیشن های گالیور، بیوگی و دوستان، فلینستون ها (عصر حجر)، راف وردی (بگ سگ و بگ گربه)، گوریل انگوری، اسکویی - دو و... ساخته همین کمپانی می باشد. ر.ک: مقاله کاوچران تنها رو به غروب، نوشته حمید رضا نصیری پور، مجله هشتپری جوان، ۱۸ آذرماه ۱۳۸۵، ص ۶۰
۳۳. مقاله سفر کریستف کلمبه بازبایی نقش یهود اثر محمد طیب، همان منبع.
۳۴. برگرفته از متن فیلم مستند سینما سرزمین موعود یهود، ساخته دکتر مجید شاه حسینی، در سی دی. کتابخانه دیجیتالی صهیونیسم پژوهی، موسسه لوح و قلم قم.
۳۵. تاریخ یک ارتداد، اسطوره های بنیانگذار سیاست اسرائیل، پیشین، ص ۳۹ و ۴۰.
۳۶. منبع پیشین.
۳۷. منبع پیشین به نقل از زبی (پیامبری- پیامبرانی، صهیونیسم و دولت اسرائیل prophecy Zionism and the state of Israel: انتشارات المریزگر American jewish Alternatives to Zionism: کنفرانس ایراد شده در دانشگاه لیبن هاند، ۲۰ مارس ۱۹۶۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

